

نگاهی حقوقی به قوانین تابعیت ایران و چند کشور آسیایی

برزخ بی‌هویتی در سرزمین مادری

◀ **ایران از معدود کشورهای جهان است که از فرزندان حاصل از ازدواج زنان خود با اتباع خارجی حمایت نمی‌کند**

مالزی

در مورد فرزندانگی که در خاک مالزی به دنیا می‌آیند قانون تابعیت این کشور بین زن و مرد تفاوتی قائل نشده است. در صورتی که زن یا مرد یا هر دویشان در زمان تولد کودکشان شهروند یا مقیم دائم مالزی باشند، آن کودک مالزیایی خواهد بود. اما در مورد فرزندانگی که خارج از خاک مالزی به دنیا می‌آیند، اصالت با خون پدر است و تنها در صورتی که پدر مالزیایی باشد، فرزند هم مالزیایی خواهد بود. قوانین تابعیت کشور مالزی بیان می‌کنند که فرزند حاصل از ازدواج با روابط خارج از چهارچوب ازدواج یک زن مالزیایی با یک مرد تبعه خارجی در صورت تولد در خاک مالزی، مالزیایی خواهد بود.

در صورتی‌که زنی مالزیایی با مردی خارجی ازدواج کند و فرزندان در خارج از خاک مالزی به دنیا بیاید باید تبعه کشور پدری‌اش بشود.

در صورتی هم که زنی مالزیایی با مردی خارجی روابطی خارج از چهارچوب ازدواج داشته باشد و صاحب فرزندی شود که محل تولدش خارج از خاک کشور مالزی است، آن فرزند شهروند و تبعه کشور مالزی نخواهد بود. اما می‌تواند به‌عنوان مقیم دائم (permanent resident) به همراه مادرش وارد مالزی شود و حتی در صورت اقامت چند ساله می‌تواند برای شهروندی کشور مالزی درخواست بدهد.

چین

قوانین تابعیت چین هم بین زن و مرد چینی تفاوتی قائل نمی‌شوند. کودک متولد شده از یک والد چینی و یک والد تبعه خارجی چه در خاک چین به دنیا بیاید و چه خارج از چین به دنیا بیاید تبعه کشور چین خواهد بود. کشور چین دوتابعیتی بودن را قبول ندارد. در صورتی یکسی از والدین کودکی که در چین به دنیا آمده چینی باشد و دیگری خارجی و بخواهند فرزندانشان تابعیت خارجی داشته باشد باید در درجه اول از تابعیت چینی خارج شوند و در چه دوم برای پاسپورت غیر چینی درخواست بدهند. خروج یک کودک متولدشده در کشور چینی از تابعیت چینی فرآیندی به‌شدت پیروکراتیک و دشوار است و بسیاری از زوج‌ها از لغو تابعیت فرزندانش منصرف می‌شوند.

کره جنوبی

تا قبل از ۱۳ جون ۱۹۹۸ فقط فرزندی که پدرش کراهی بود می‌توانست به تابعیت کره جنوبی دربیاید. اما با اصلاح قانون تابعیت کره جنوبی در سال ۱۹۹۸ اگر پدر یا مادر (حداقل یکی‌شان‌کره‌ای باشند فرزند نیز کره‌ای خواهد بود. در کره جنوبی بعد از سال ۱۹۹۸ تفاوت بین زن و مرد برای انتقال تابعیت را لغو کرد. همچنین فرزندی که از پدر و مادری بدون تابعیت در خاک کره جنوبی به دنیا بیاید هم تبعه کره جنوبی محسوب می‌شود.

بحرین

مطابق با قانون تابعیت بحرین، تنها کسانی که از پدری بحرینی در خاک این کشور به دنیا بیایند زیردستی را برای فرزندان حاصل از ازدواج زنان بحرینی با مردان غیر بحرینی وجود آورده بود. چراکه به دلیل نداشتن تابعیت از امکانات اولیه زندگی در بحرین محروم بودند. از سال ۲۰۰۹ حکومت بحرین به این کودکان و افراد حق تحصیل استفاده از خدمات درمانی و اقامتی به‌مانند سایر شهروندان اعطا کرد و آن‌ها را از مالیات‌های اقامت خارج کرد. این بحرین معاف کرد. طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ با دستور پادشاه بحرینی به ۵۶۸۴ کودک حاصل از ازدواج زنان بحرینی با مردان خارجی تابعیت اعطا شد.

مجلس بحرین به دنبال تغییر قانون تابعیت است تا دیگر برای اعطای تابعیت نیاز به دستور پادشاه نباشد. طبق قانون جدید تابعیت بحرین کلیه افرادی که از پدر یا مادر بحرینی در خاک این کشور یا خارج از خاک این کشور به دنیا می‌آیند باید بحرینی محسوب شوند.

جمع‌بندی

همان‌طور که مشاهده می‌شود در بسیاری از کشورهای جهان که در قوانین تابعیت خون تابع اصل خون هستند، خون مادر هم باعث انتقال تابعیت می‌شود. در کره جنوبی، تا دو دهه پیش تابعیت فقط از طریق خون پدر قابل انتقال بود (شرایطی مشابه ایران). در کشور اندونزی هم انتقال تابعیت از مادر بسبب دشوار بود. اما همگام با تغییرات جهانی این کشورها قوانین تابعیت خودشان را اصلاح کردند. کشوری مثل بحرین هم که در زمینه انتقال تابعیت، شرایطی تقریباً مشابه ایران را دارد به‌سرعت در صدد اصلاح قوانین تابعیت خود است.

با این حال، به نظر می‌رسد قوانین تابعیت در ایران نه‌تنها همگام و هم‌زمان با سایر کشورها بهبود پیدا کرده‌اند، بلکه در اصلاح این قوانین، آن‌قدر تأخیر شده که وضعیتی نزدیک به بحران را شاهد هستیم. این قوانین که از قدمتی بیش از صد سال برخوردار است، هویت فرزندانگی که از مادر ایرانی و در ایران متولد شده‌اند را به رسمیت نمی‌شناسد.



عکس مجید شاه‌نشینان

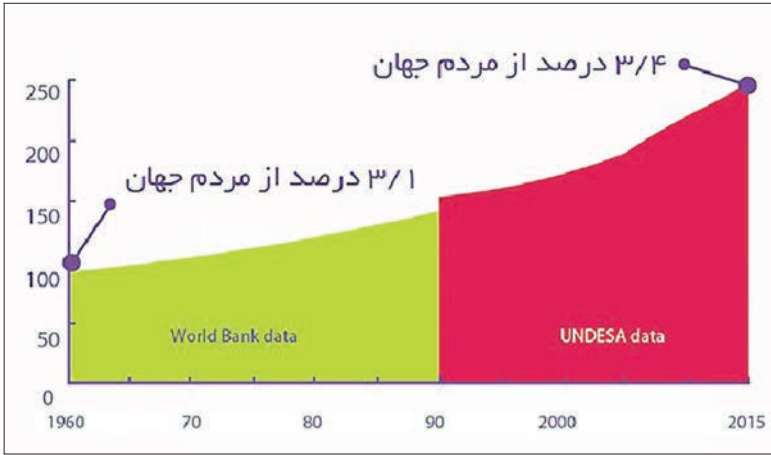
ازدواج می‌کنند؟ آیا قوانین تابعیت کشورهای دیگر متناسب با این نوع از ازدواج‌ها تغییر کرده است؟ در این یادداشت، به بررسی قوانین تابعیت کشورهای ترکیه، مالزی، اندونزی، چین، کره جنوبی و بحرین در رابطه با تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان تابعه این کشورها با مردان خارجی می‌پردازیم.

ترکیه

قوانین تابعیت کشور ترکیه بر اساس اصل خون تدوین شده‌اند. ماده ۶۶ قانون اساسی ترکیه، به بیان مجموعه قوانین تابعیت این کشور می‌پردازد؛ فرزندانگی که از یک مادر یا پدر ترکیه‌ای در چهارچوب ازدواج یا خارج از این چهارچوب به دنیا بیایند، ترکیه‌ای محسوب می‌شوند. قوانین تابعیت کشور ترکیه بین مرد و زن تفاوتی قائل نشده است. در مورد تابعیت غیرفرزندانگان نیز قانون وضعیت را مشخص کرده است؛ اگر یک شهروند ترکیه‌ای فردی زیر ۱۸ سال را به فرزندخواندگی قبول کند، این فرد به تابعیت ترکیه درمی‌آید.

اندونزی

قانون تابعیت کشور اندونزی به فرزندان حاصل ازدواج زنان اندونزیایی با مردان خارجی تابعیت اندونزیایی اعطا می‌کند. فرزندی که حاصل ازدواج قانونی غیرفرزندانگانی نیز قانونی با مردی خارجی باشد اندونزیایی خواهد بود. همچنین، فرزندی که حاصل از ازدواج قانونی زنی اندونزیایی با مردی بدون تابعیت باشد باز هم اندونزیایی است. تا قبل از سال ۲۰۰۶، کسب تابعیت اندونزیایی برای فرزندان حاصل از این نوع ازدواج‌ها بسیار دشوار بود. اما همگام با تغییرات جهانی و زیاد شدن تعداد زنان اندونزیایی که به عقد مردان خارجی درمی‌آیند، قانون تابعیت این کشور اصلاح شد. آخرین اصلاح قانون تابعیت اندونزی نیز مربوط به سال ۲۰۰۶ است. بر اساس این قانون، فرزندان حاصل ازدواج یک مرد خارجی و یک زن اندونزیایی تا سن ۱۸ سالگی دوتابعیتی هستند. هم تابعیت اندونزیایی دارند و هم تابعیت کشور پدری خودشان را. البته پروکراسی‌ها و مدارک مورد نیاز مربوط به این امر (گواهی تولد، پاسپورت، مدارک ازدواج و…) پیچیده ولی مشخص و معلوم است. بعد از این که به سن قانونی (۱۸سال) رسیدند ۳ سال وقت دارند که تکلیف تابعیت خود را مشخص کنند؛ یا تابعیت اندونزیایی خود را حفظ کنند یا فقط به تابعیت کشور پدری‌شان دربیایند. قوانین اندونزی اجازه و تابعیتی بودن را به افراد بالای ۱۸ سال نمی‌دهد.



امکان پذیر نیست. این روزها بحث اصلاح قانون تابعیت به‌خصوص در مورد فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در مجلس شورای اسلامی پیگیری می‌شود. طرح‌هایی که در صورت تصویب و اجرای به موقع، مسأله چند میلیون نفر از ساکنان این مرز و بوم را حل می‌کند و دغدغه‌های اولیه آنها را برطرف می‌سازد.

بررسی قوانین سایر کشورها

مهاجرت یکی از شاخصه‌های کلیدی جهان به هم پیوسته امروز است. در دنیای امروز، جغرافیای و مرزهای جغرافیایی به یک مفهوم ذهنی تبدیل شده‌اند. مفاهیمی چون کشور و ملیت دچار تغییراتی بنیادین شده‌اند. حالا دیگر کشور بزرگی از انسان‌ها در کره زمین به وجود آمده است که نه زبان مشترکی دارند و نه پایبند به زمین مشترکی هستند. فقط در یک ویژگی بسیار مهم مشترک‌اند: اهل هجرت‌اند. هر چیز آشنایی را که از بدو تولد با آن خسو گرفتند را کرده‌اند و برای شروع یک زندگی دیگر در جغرافیایی دیگر از کره زمین همه چیز را پشت سر گذاشته‌اند.

در سال ۲۰۱۵ جمعیت مهاجران جهان(کسانی که کشور محل زندگی‌شان، کشوری غیر از محل تولدشان بوده) به حدود ۲۴۷ میلیون نفر رسید. رقمی که نسبت به ۵۰ سال پیش کره زمین تقریباً سه برابر شده است. در طول ۱۵ سال اخیر تعداد کل مهاجران در جهان ۷۴ میلیون نفر افزایش داشته است. مهاجران ۳،۴ درصد از جمعیت جهان را در سال ۲۰۱۵ به خود اختصاص داده بودند. رشد مهاجرت در جهان طی دهه‌های گذشته یک روند پایدار و تدریجی بوده است: از حدود ۹۰ میلیون نفر در سال ۱۹۶۰ به حدود ۲۴۷ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵.

با توجه به این شرایط، امروزه ازدواج‌هایی که در آن، زوجین ملیت یکسانی ندارند، امری بسیار معمول در جهان است. قرن بیستم و بیست و یکم، قرن مهاجرت است. پیشرفت‌های بشر در حمل‌ونقل و ارتباطات باعث شد که مهاجرت انسان‌ها بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ باشد.

سایر کشورهای دنیا در مواجهه با مسأله تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان خود با اتباع خارجی، چه سیاست‌هایی را پیش گرفته‌اند؟ آیا این مسأله فقط برای کشور ایران مطرح است؟ آیا فقط در کشور ایران است که بعضی از زنان با اتباع خارجی

نویسنده: پیمان حقیقت‌طلب | مسأله «ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی» و مشکلات تابعیت فرزندان در ایران، فقر، اخراج همسر و …) همراه با همسر خود به افغانستان مهاجرت کرده‌اند. زندگی در کشوری که همچنان به ثبات نرسیده است، برای این زنان بسیار سخت است. علاوه بر این، فرزندان آنها که در ایران به دنیا آمده‌اند، نیز شرایط زندگی خوبی در افغانستان ندارند.

تنها ماندن زن ایرانی

در برخی موارد شوهر افغانستانی فوت می‌کند و زن ایرانی بدون هیچ حمایتی یا چند فرزند بی‌شناسنامه و ازدواج ثبت‌نشده سرگردان می‌شود.

سوءاستفاده زن ایرانی

در برخی موارد هم این‌وضع به ضرر مرد افغانستانی که هیچ مدرک هویتی ندارد، حق ثبت دارایی‌ها به نام خود را ندارند. این افراد دارای‌های خود (خانه، خودرو، حساب بانکی و…) را به نام زن ایرانی‌شان ثبت می‌کنند؛ در مواردی پیش‌آمده که همسر ایرانی همه دارایی‌ها را تصاحب کرده و مرد افغانستانی نیز به دلیل حضور غیرقانونی در کشور رد مرز شده است.

در وضعیتی موجود، نسل دوم کودکان بی‌شناسنامه در حال ظهور هستند. با کودکان بدون شناسنامه‌ای مواجه هستیم که در ایران متولد شده اند، از یک مادر ایرانی و پدر افغانستانی. اما پدرانشان نیز به دلیل مشابه، شناسنامه ندارند. حل نشدن مشکل افراد بی شناسنامه در ایران باعث شکل گیری چرخه معیوب تولد کودکان بدون شناسنامه از والدین بدون شناسنامه شده است و مشکلات این حوزه، رو به افزایش است. در ادامه نگاهی به قوانین مربوطه در ایران و چند کشور نمونه داریم.

مروری بر قوانین تابعیت ایران

تابعیت، وابسته به روش‌های مختلف اکتساب آن، انواع مختلفی دارد و عبارتند از:

۱. تابعیت اصلی: تابعیتی که به سبب تولد و به مجرد آن به دست می‌آید «تابعیت اصلی» نامیده می‌شود و مشتمل بر دو نوع است؛ نخست، تابعیت اصلی ناشی از سیستم خون ^۱ که طفل، به محض تولد، تابعیت والدین خود را خواهد داشت. دوم، تابعیت اصلی ناشی از سیستم خاک ^۲ که تابعیت بر اساس محل تولد شخص هست. یعنی هر فردی تابعیت کشوری را دارد که در آن به دنیا آمده، هرچند پدر و مادرش تابعیت آن کشور را نداشته باشند.

۲. تابعیت اکتسابی: تابعیتی که پس از تولد و بدون ارتباط به آن حاصل می‌شود «تابعیت اکتسابی» نامیده می‌شود. این تابعیت از چندراه تحصیل میشود.

ازدواج زن خارجی

با مرید از اتباع یک کشور

تحصیل تابعیت توسط اتباع خارجی
تغییر تابعیت؛ یعنی فردی تابعیت خود را تغییر می‌دهد و ابراز آن تغییر، تابعیت جدید برای همسر و فرزندان خود تحصیل نماید.

طبق قوانین تبعه ایران، هر کسی که در ایران سکونت داشته باشد، تبعه ایران است(بند ۱ ماده ۹۷۶ قانون مدنی). صرف‌نظر از اینکه تولد آن‌ها در کدام کشور بوده یا پدر و مادر آن‌ها تابعیت چه دولتی را داشته‌اند یا در کدام کشور متولد شده‌اند.

از سوی دیگر هیچ زمینه شناخت و آشنایی و ایجاد دلبستگی به کشور خودشان در آن‌ها پدید نمی‌آید و این کودکان از نظر روانی خود را آدم‌های بی‌سرزمین و بیگانه با هر دو کشور می‌بینند و می‌دانند. به نظر لازم است که برای کودکان و دانش آموزان مهاجر رشته ادبیات از دانشگاه تهران است گفت: «به نظر من یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه کودکان مهاجر مشکل آموزش آنان است. هرچند این روزها گام‌های مهمی در حل این مشکل برداشته‌شده است اما هنرستان‌ها، مدارس نمونه بازهوشان پذیرای بخش بزرگی از این دانش آموزان نیستند. هرچند در سطح وزارت و مدیریت‌های کلان این‌موضوع حل‌شده است اما هنوز هم کودکان و دانش آموزان درگیر این موضوع هستند. مسأله

او دغدغه مهم کودکان افغان را نپذیرفته شدن در جمع کودکان ایرانی خواند: «مسأله کار کودکان مهاجر و فقر آنان و همین‌طور نپذیرفته نشدن آنان در جمع کودکان ایرانی (چه در مدرسه و چه در خانواده) و نگاه بیگانه به آنان از دیگر چالش‌های کودکان است که گاهی این چالش‌ها چنان درهم تنیده شده‌اند که نمی‌توان تشخیص داد مهم‌ترین آن‌ها کدام‌اند».

او ابراکار این مسائل را ساده دانست: «به نظر من باید دانش آموز و کودک را از هر مسأله دنیایی بزرگسالان جدا کنیم. کودک در هر جا و هر شرایطی باید بتواند درس بخواند. جدا از مدرک و مدارک اقامتی بزرگسالان.در بخش هویت هم می‌توان نشریه و مجله و کتاب مخصوص برای بچه‌ها تهیه کرد.که البته نشریه کودکان آفتاب قدم‌هایی را در این راستا برداشته است.

در سال ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی تصمیم به اصلاح این ماده‌واحد گرفت. طرح جدید پس از بررسی‌های فراوان در کمیسیون‌ها و صحن علنی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. اما پس از ارسال به شورای نگهبان با ایراد مغایرت با قانون اساسی مواجه شد، بنا به نظر شورای نگهبان درنظر گرفتن تسهیلاتی مانند دریافت یارانه و معافیت از پرداخت تعرفه اقامت برای اتباع خارجی امکان پذیر نیست و با مالی آن طرح برای اجرا

نگاه

اینجاسرزمین مادری من است؟

◀ **محسن شهرابی** |

اجتماع می‌شود.

اتباع افغانستانی بیش از سی سال است که به صورت قانونی و غیرقانونی در ایران، زندگی می‌کنند. در غیاب آمارهای رسمی، آمارهای غیررسمی حکایت از حضور بیش از ۳ میلیون نفر از این اتباع در کشور می‌کند. حضور طولانی مدت این افراد، به طور طبیعی تبعات گسترده‌ای به همراه داشته است. بیش از یک میلیون فرزند حاصل از ازدواج شرعی و غیررسمی دختران ایرانی با اتباع خارجی، یکی از این پیامدها است. فرزندانگی که از مادران ایرانی و در سرزمین مادری، متولد شده اند. بی‌اعتنایی قانونگذاران به این مسأله، سبب بروز مشکلات متعددی در زندگی این قشر نجیب در کشور شده است. از جمله:

عدم مسئولیت‌پذیری شوهر

در برخی موارد اتباع خارجی صرفاً با انگیزه اخذ مجوز اقامت با زنان ایرانی ازدواج کرده‌اند، پس از چندین سال زندگی با همسر ایرانی‌شان و حتی با وجود چندین فرزند، همه چیز را رها کرده و به کشورشان برگشته‌اند. زن ایرانی نیز به دلیل این‌که به ازدواج غیر قانونی یا تبعه خارجی تن داده است، از هیچ حمایتی از سوی دولت ایران برخوردار نیست. در این شرایط، زن ایرانی با یک ازدواج غیرقانونی ثبت‌شده، چندین کودک بدون شناسنامه و بدون هیچ حمایتی سرگردان در

مدیر خانه کودکان افغان در گفت‌وگو با «شهروند»

صدای کودکان مهاجر را بشنویم

▶ **آتمینه حدادی** |



به بهانه «هفته ملی کودک» پای صحبت های آقای نادر موسوی، مدیر خانه کودکان افغان و سردبیر نشریه کودکان آفتاب نشستیم. آقای موسوی مدیر مدرسه خودگردان فرهنگ (ویژه کودکان افغانستانی) است و تمام مشکلات و معضلات مرتبط با کودکان مهاجر در ایران را با گوشت و خون لمس کرده است. او با ابراز خرسندی از ورود دانش آموزان افغان توسط همسالان ایرانی رامستلزم فرهنگ‌سازی دانست تا با توجه به فرهنگ مشترک این دانش آموزان بیگانه‌انگاشته نشوند.

موسوی در ابتدای این گفت‌وگو چالش پیش روی کودکان افغان در یک سال گذشته را همچنان آموزش دانست. او که فارغ‌التحصیل رشته ادبیات از دانشگاه تهران است گفت: «به نظر من یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه کودکان مهاجر مشکل آموزش آنان است. هرچند این روزها گام‌های مهمی در حل این مشکل برداشته‌شده است اما هنرستان‌ها، مدارس نمونه بازهوشان پذیرای بخش بزرگی از این دانش آموزان نیستند. هرچند در سطح وزارت و مدیریت‌های کلان این‌موضوع حل‌شده است اما هنوز هم کودکان و دانش آموزان درگیر این موضوع هستند. مسأله

مدیر مدرسه فرهنگ (مدرسه خودگردان کودکان افغان) اشاره کرد که با وجود تلاش وزیر آموزش‌وپرورش همچنان برخی از کودکان افغان از تحصیل بازمانده‌اند: «کودکانی که در شهری غیر از شهر محل صدور مدرک والدینشان زندگی می‌کنند شامل هیچ‌کدام از این طرح‌ها برای ورود به مدرسه نمی‌شوند. کودکانی هم هستند که به خاطر خارج شدن از دامنه سن قانونی و تعریف‌شده هر کلاس دیگری نمی‌توانند در مدارس رسمی درس بخوانند. گروهی هم به خاطر سهل‌انگاری والدین نتوانسته‌اند بر گام‌های حمایت تحصیلی را بگیرند که بياز این‌ها از درس بازمی‌مانند

و گروه دیگر با توجه به اینکه مهاجرین در مناطق با تراکم جمعیتی بالا و در دامنه‌های شهرها به زندگی می‌کنند از ظرفیت مدرسه‌ها خارج‌شده‌اند . مورد دیگری این است که مدارس بی‌ثباتمانیسی معمولاً فقط با دریافت پول ناموزنیسی می‌کنند که با توجه به وضعیت

^[1] Jus sanguini

^[2] Jus soli